

آذَرَبَايْجَان

بشینجی دؤره (دوره پنجم) ۶۰ - نجی نمره (شماره ۶۰ ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان شهریور ۱۳۸۸ ص ۱)

۱ - لاهرودی

عدالتخواهی حقوقچاوس در آمریکا لاتین

آمریکای لاتین عقب مانده ترین منطقه در نیم کره غربی است. عمده ترین علت این عقب ماندگی فشار سیاسی و اقتصادی آمریکای شمالی بر این منطقه است.

فشار از خارج و تشدید تضاد در داخل شکاف در جامعه را عمیقتر کرده اقشار و طبقات پائین جامعه را در برابر اقشار و طبقات فوقانی قرار داده است. تناسب در میان این دو قطب در قرن ۲۰ بهم خورد فشار از بالا شدت یافت اما با مقاومت شدید پائینی ها روبرو گردید.

انقلاب علمی و فنی در جهان غرب بویژه در آمریکای شمالی برای پیشرفت صنعت و کشاورزی در آمریکای لاتین تأثیر چندانی نداشت. شرکتهای بزرگ آمریکای شمالی منابع طبیعی این منطقه را زیر سلطه خود در آورد. در برابر این سلطه بود که پائین ها مقاومت کردند. برای دسترسی به هدف خود اشکال گوناگون مبارزه از جمله مبارزه مسلحانه را تجربه کردند. احزاب سیاسی چپ تشکیل شدند و با عناوین مختلف (نام های مختلف) این مبارزه را رهبری کردند. چریک ها در جنگل و در شهرها فعال شدند. در عین حال راه مبارزه مسالمت آمیز نیز مسدود نبود. در نیکاراگوآ حرکات چریکی پیروز شد. در شیلی چپ ها در انتخابات حکومت را در دست گرفتند. همه این پیروزی ها منافع غارتگرانه آمریکا را زیر ضربه می برد بنابراین برای مقابله با این نهضت نظامیان فعال شدند نظامیان در شیلی قدرت را بدست گرفتند. در نیکاراگوآ در انتخابات هواداران آمریکا به قدرت باز گشت نمودند. همه این مبارزات چریکی از انقلاب چریکی کوبا نیرو می گرفتند. «چرخ فلک کار خود را کرد» شوروی دچار سانحه شد، مبارزین پشتوانه محکم خود را از دست دادند. در آمریکای لاتین نیز چهره عوض شد ایده عدالتخواهی در سیمای شخصیت های حکومتی ظاهر شد. حقوقچاوس بعد از فیدل کاسترو (چاوز راه مسالمت آمیز را در پیش گرفت).

شخصیتی است دموکرات عدالتخواه چاوز در رأس حکومت است با طرح مسئله در فراندوم حق چند بار انتخاب شدن را بدست آورد. بدین طریق او میتواند برنامه اقتصادی خود را بتدریج اجرا کند. نحوه ای اجرای آن در کشور سرمایه داری مشکل آفرین است زیرا ونزوالا کشور سرمایه داری است که در آن شرکتهای خارجی و داخلی فعال هستند و اقتصاد این کشور را در دست دارند. وانگهی آمریکای قدرتمند پشت سر آنها است با یک تغییر کوچک در وضع این شرکتها با واکنش شدیدی روبرو خواهد شد. این واکنش بشکل گوناگونی از جمله قبل از همه با محاصره اقتصادی صورت خواهد گرفت. بنابراین چاوس در راه بر قراری عدالت اجتماعی، تقسیم عادلانه ثروت با احتیاط کامل عمل می کند. در عین حال بیانات شدید ضد آمریکائی وی نیز مشکل آفرین است. آمریکا حاضر نیست تغییرات ضد سرمایه داری در آمریکای لاتین انجام گیرد هر کشوری در این منطقه بر خلاف میل او عمل کند سرنوشت کوبا در انتظار او است. سوسیالیزمی که چاوز و هم فکران او در آمریکای لاتین خواستار ساختمان آن هستند. راهی تدریجی و طولانی است حرکت تاریخ در این سمت قرار دارد. سرمایه داری از لحاظ عینی رو به زوال است. بحرانهای ادواری نشان می دهد که سیستم اقتصاد غیر سرمایه داری بدیل (آلترناتیو) سرمایه داری است که بیله روس یکی از این کشورها است.

اروپای شرقی بر خلاف برخی کشورهایی در آمریکای لاتین سرمایه داری را بعنوان راه بدیل انتخاب کرده اند. صنایع سنگین را از میان برداشتند. خصوصی سازی را با عجله به مرحله اجرا در آوردند و تبلیغات ضد کمونیستی ماهیت عدالت اجتماعی و سوسیالیزم را تحریف می کنند. در این میان بیله روس تنها کشوری در اروپای شرقی است که خصوصی سازی را دور زد آنرا پشت سر گذاشت سیستم اقتصاد غیر سرمایه داری را حفظ نمود. بدین ترتیب زیر بنای اقتصادی با رو بنای سیاسی هماهنگی دارد. عامل مساعد داخلی عامل منفی خارجی را دفع می کند. برای اینکه رشد اقتصادی در بیله روس اتکا به نفس است. فن آوری مدرن در بازار جهانی کار خود را می کند. محصولات کارخانه های بیله روس در برابر محصولات مشابه موضع خود را حفظ می کند. بدین طریق اروپای محافظه کار در گیر بحران مالی و اقتصادی است و با تزریق پول دولتی سهام شرکتهای بحران زده را میخرند و بشکلی برای دولتی کردن شرکتهای خصوصی کمک می کند.

بر عکس آمریکای لاتین در راه رادیکالیزه شدن حرکت می کند. این راه با مشکلات عدیده بویژه مشکلات زیر بنائی روبرو است. حکومتهای مترقی و عدالت جو امکان آنرا ندارند که زیر بنا را بهم بزنند یک زیر بنای غیر سرمایه داری را به وجود بیاورند. بدین سبب است که بشر سر دوراهه قرار دارد. سرمایه داری و یا غیر سرمایه داری یکی از این دو راه اولی روفنا است و دومی آینده دارد.

.....

۱- لاهرودی

دفتر حزب اعتماد ملی مهر و موم شد.

مأمورین دولتی دفتر حزب اعتماد ملی را اشغال کردند. افراد حاضر در دفتر را از جمله مهدی کروی بیبر کل حزب را مورد با جوئی قرار دادند، اسناد و مدارک حزب را جمع کردند دفتر را مهر و موم نمودند و با خود بردند.

آنچه در اینجا آمد خبر کوتاهی است که ۸ سپتامبر ۲۰۰۹ از رادیو B.B.C پخش شد. ایران جزیره ایست نا آرام در دریای نا آرام خاورمیانه در غرب و شرق ایران جنگ با شدت ادامه دارد. آمریکا و اروپا این دو کشور خاورمیانه (عراق و افغانستان) را اشغال کرده اند. در این دو کشور جنگ بدون وقفه میان خودی ها و میان غیر خودی ها با شدت ادامه دارد. با این وضع دشوار در هر دو کشور احزاب بشکل آزاد فعالیت می کنند سیستم تحزب (آزادی فعالیت احزاب) بویژه در عراق نهادینه شده، احزاب با تمایلات گوناگون راست و چپ در زندگی سیاسی این کشور جنگ زده شرکت می کنند. در دولت عضویت و در مجلس نمایندگی دارند. هندوستان و پاکستان با سیستم حزبی اداره میشوند هر دو کشور را دو حزب حاکم حزب کنگره حزب جاناتا (هندوستان) حزب مردم و حزب مسلم لیک (پاکستان) را اداره می کنند با اینکه پاکستان کشور کودتاها و ترورها است احزاب در آن آزاد هستند و در انتخابات شرکت می کنند حکومت را به نوبه در دست میگیرند آزادی قلم، بیان تجمع و راه پیمائی کاملاً آزاد است در این دو کشور فعالیت این و یا آن حزب تاکنون قدغن نشده است. در هندوستان احزاب ایالات را نیز اداره می کنند، صدارت پارلمان را در دست میگیرند.

ترکیه نیز همسایه ایران است در این کشور بیش از ۲۰ سالست که کردها برای دست یابی به خود مختاری محلی با دولت مرکزی به مبارزه مسلحانه ادامه می دهند. در شهرهای بزرگ دست به عملیات تروریستی میزنند. دولت ترکیه این عملیات را دستاویز قرار نمی دهد و آزادی های دموکراتیک را محدود نمی کند.

ترکیه کشور پارلمانی است احزاب آزاد است در انتخابات بشکل فعال شرکت می کنند حزب پیروز دولت را تشکیل میدهد. در مقابل پارلمان مسئولیت دارد و با رأی اعتماد پارلمان دولت موجودیت خود را حفظ می کند: قلم، بیان، راه پیمائی، تظاهرات آزاد است هیچ حزبی بدین سبب مورد مواخذه قرار نمی گیرد.

بعد از این سه کشور کشورهای عربی جای دومی را میگیرند شیخ نشینی های خلیج فارس را خود کامه گانی اداره می کنند که در آنها از آزادیهای دموکراتیک سخنی بمیان نمی آید. این کشورها قانون اساسی ندارند، مجرمین با قوانین سنتی محاکمه میشوند ولی با در آمد کلان پول نفت رفاه اهالی در این کشورها در سطح بالا قرار دارد. کارگران خارجی برای بهتر زندگی کردن به این کشورها می آیند. علاوه

از این امنیت سرمایه در این کشورها تأمین است. بدین سبب سرمایه های خارجی مانند سیل به این کشورها جاری میشوند. این کشورها به بازار جهانی تبدیل شده اند. کشورهای عرب زبان شمال آفریقا مسعمرات سابق فرانسه علاوه از آنها مصر کشورهای هستند که انتخابات در آنها انجام میگردد. رئیس جمهور از طریق رأی عمومی انتخاب میشوند. این کشورها پارلمان دارند. احزاب حاکم و احزاب مخالف فعال هستند و بدون تبعیض در زندگی کشور شرکت می کنند.

در این نوشته تصویر کوتاهی در منطقه خاورمیانه ترسیم شد نه برای تصریح واقعیت بلکه برای ترسیم وضع خواص ایران که بهیچوجه با وضع سیاسی این کشورها هم خوانی ندارد بعبارت دیگر ایران به این کشورها شباهت ندارد. در ایران نه حزب سیاسی حاکم، نه حزب مخالف چپ و راست وجود ندارد. در این کشور یکصدائی حاکم است، آنانکه در رأس قدرت هستند حاکم مطلقند کلام آنها حقیقت مطلق است. شک تردید درباره این سخنان عواقب وخیم در پی دارد.

حزب اعتماد ملی مهدی کروی هیچ عمل خلاف قانون انجام نداده، دبیر کل این حزب یکی از نامزدهای ریاست جمهوری بود و در جریان انتخابات شکست خورد اما او نتایج انتخابات را نه پذیرفت و نظر خود را بشکل آشکار بیان کرد. اسناد و مدارکی در باره تجاوز جنسی در زندانها ارائه داد اما قوه قضایه آنها را نپذیرفت اول روزنامه اعتماد ملی ناشر افکار حزب اعتماد ملی بعد از مدت کمی خود حزب ممنوع گردیده و بدنبال آن تبلیغات علیه مخالفین دامنه ای گسترده تری پیدا کرد. حالا با در نظر گرفتن وضع موجود وضعی که ۳۰ سال است ادامه دارد آنچه در این کشور بلا زده رخ میدهد و در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

چه باید کرد که این وضع غیر قابل تحمل تغییر پیدا کند. کلید این طلسم هم در دست هئیت حاکمه هم در دست خود مردم است. هر دو طرف در برابر هم صف آرائی کرده اند. هیچ یک از طرفین حاضر نیستند کوچک ترین گامی در این راستا بردارند دستگاه حکومتی مصمم است قدرت بلا منازع خود را بدون تردید اعمال کند. مردم نیز حاضر نیست عقب نشینی کند و آماده هر حوادثی است که در پی آن جوش و خروش راه افتد، سنگر بندی بوجود آید، اختشاش و بلوا پیش آید. حکومت با تمام قدرت در برابر آن قرار گیرد در برابر آن بر خورد شدید از خودنشان دهد چنانکه همیشه بر خورد شدیدی از خودنشان داده است ما در انتخابات اخیر شاهد آن شدیم.

حالا مراکز تحصیل برای باز گشائی حاضر است. دانشجویان که مخالف سنتی با قدرت حکومتی هستند، ممکن است آرامش نیسی بهیچ وجه به خورد وضع جدید و مشکلات جدیدی در کشور بوجود آید.

آیا این دور تسلسل تاکی ادامه خواهد یافت؟

معترضین باز هم در میدان مبارزه

روز قدس در تهران و شهرهای دیگر بر گزار شد. خطبه ها خوانده شد صهیونیزم مورد تعن و لعن قرار گرفت. تظاهر کنندگان معترض در کنار تظاهر کنندگان هوادار دولت صف آرایی کردند. مأمورین انتظامی وارد عمل شد عده از معترضین دستگیر شدند.

واقعا در ایران چه میگذرد. انتخابات پایان یافت دولت پس از اخذ رأی اعتماد فعالیت دوره دوم خود را آغاز کرد. در چنین شرایطی باید از هر فرصتی استفاده کرد و با دولت مقابله نمود؟

شرکت تعداد زیادی از معترضین در تظاهرات روز قدس نشان میدهد که دامنه نارضائی وسیعتر از آنست که گمان میرفت مردم با شیوه کنونی حکومتداری مخالف است. میخواهند در مملکت اصلاحات انجام گیرد. حکومت محافظه کار به این خواست تن در نمیدهد و با اعمال خشونت در برابر اصلاح طلبان مقاومت می کند. رویا روئی میان مردم و دولت از اینجا ناشی میشود. روز قدس نیز یکی از این روزها بود که باز هم با مداخله نیروی انتظامی پایان یافت.

این رویا روئی تاکی ادامه خواهد داشت. نگاهی کوتاه به وضع موجود میتوان به این نتیجه رسید که هم معترضین، هم دولت نمی خواهند از موضع خود عقب نشینی کند. دولت با اتکا به قدرت بر اوضاع «مسلط» است و آماده است حرکت از پائین را با اشکال ممکنه خنثی سازد پائینی ها هم روی نظریات خود پا بر جا است و خود را آماده می کنند از هر فرصتی استفاده کنند و اعتراضات خود را بیان کنند بعبارت دیگر صف آرایی در کشور شکل میگیرد.

معترضین گرچه در چارچوب سازمان مشخص فعالیت نمی کنند، اما بشکل واقعی سازمان یافته هستند. آنها رهبران خود را پیدا کرده اند و در تظاهرات شرکت می کنند پشت سر آنها حرکت می کنند. میرحسین موسوی حالا مورد اعتماد معترضین است. خاتمی، کروبی، رفسنجانی در کنار وی هستند. یعنی جناح شکل دیگری به خود می گیرد. اصلاح طلبان در یک جناح و اصولگرایان حکومتی در جناح دیگری قرار گرفته اند.

بدین ترتیب بحران سیاسی ایران را فرا گرفته است. کلید حل بحران سیاسی در دست دولت است بدین جهت باید خواستهای دموکراتیک مردم را به پذیرد و برای اجرای آن گام عملی بر دارد.

معترضین حکومتی نیز خواستهای خود را فرموله کند و در سطح جامعه مطرح سازند و حکومتیان را قانع کند که اصلاحات سیاسی در ایران ضرورت تاریخی دارد و در شرایط کنونی جهان هیچ ملتی نمی تواند در یک جامعه یکصدا و در حال تجرید بسر برد.

.....

آمریکا سر دوراهه

۴۶ میلیون شهروند آمریکا از خدمات پزشکی محروم هستند. برای کشوری که تقریباً نیمی از اقتصاد جهان را از آن خود ساخته و یکی از ثروتمندترین کشور جهان محسوب میشود و ضی است اسفبار.

حالا شخصی بر خاسته از میان مردم در رأس حکومت قرار گرفته میخواهد این قشر نیگون بخت را زیر پوشش خدمات پزشکی قرار دهد مورد مخالفت سرسختانه محافظه کاران جمهوری خواه قرار گرفته است.

اجرای این برنامه چند میلیارد دلار هزینه دارد ثروتمندان آمریکا حاضر نیستند برای بهبود وضع شهروندان فقیر آنرا به پردازند. آنها میکوشند فقر از میان بر داشته نشود. بدین طریق فقر و ثروت برای «ابد» در کنار هم زندگی کنند.

محافظه کاران آنقدر از بر قراری برابری در جامعه هراس دارند که برای جلوگیری از اصلاحات بهداشتی دولت را متهم می کنند که میخواهد در آمریکا سوسیالیزم را پیاده کنند.

مخالفین اصلاحات با این اتهام واهی جنبه انسانی مسئله را نا دیده میگیرند معنویات انسانی را قربانی عالم مادیات میکنند. مادی یاتی که جامعه جهانی را بطور کلی، جامعه آمریکا را بطور اخص بدوقطب تقسیم کرده. فقر و ثروت را در برابر هم قرار داده اولی به حساب دومی لاغر تر میشود، دومی به حساب اولی فربه و فربه تر میشود.

شمار اهالی کره زمین به ۷ میلیارد نفر نزدیک است. ۱ میلیارد از جمع این ۷ میلیارد بویژه در قاره سیاه آفریقا در حال نیم گرسنه روز را به شب می رسانند. یک میلیارد دیگر در کشورهای ثروتمند مانند آمریکا در حال رفاه بسر می برند بقیه ۵ میلیارد در آسیا و آمریکا جنوبی سکونت دارد که فقر و ثروت در اینجا نیز کنار هم همزیستی می کنند. دانشمندان و حکومتگران واقع بین در این مورد می اندیشند و دنبال راه چاره هستند که انسان از گرسنگی رنج نبرد. برای فردا بد بین نباشند.

در قرن ۲۰ در این راستا گامی برداشته شد در روسیه و برخی از کشورها تقسیم عادلانه ثروت بشکل ایجاد اقتصاد دولتی بر مبنای برنامه ریزی عملی شد. اما این تجربه کمتر از صد سال دوام نیاورد و اقتصاد بازار «آزاد» بدون برنامه جای آنرا گرفت. بعد از این اقتصاد متکی به آنارشی بازار سراسر جهان را فرا گرفت. اکنون در جهان یک قطبی انسانها در دو قطب فقر و ثروت بسر می برند این تضاد در قالب یک قطب در کنار هم زندگی می کنند. حالا چه باید کرد که این همزیستی جنبه دائمی پیدا نکند، ثروت افزایش یابد، فقر کمتر گردد و بتدریج توازن میان دو قطب فقر و ثروت بر قرار گردد. سوسیالیزم و یا راه دیگری در پیش گرفت. آن راه چطور راهی باید باشد. بهر حال راه

دیگری به جز تعدیل ثروت وجود ندارد این راه مسالمت آمیز باشد و یا اجباری راه اول مطلوب است اما امکان عملی شدن آن کمتر است. راه دوم بدون اعمال قهر انقلابی ممکن نیست قهر انقلابی در شرایط کنونی جهان غیر قابل تصور است. زیرا ثروت در عین حال در دست حکومتها است و حکومتها نیز معجونی از ثروت و قدرت هستند که در برابر میلیونها انسان کم در آمد صف آرائی کرده اند و آماده سرکوب هر نوع حرکت هستند راه سومی موجود است که رشد طبیعی جامعه بشر است که این راه نیز صدها سال طول خواهد کشید تا نیگون بختان پائینی نسل اندر نسل در انتظار آن باشند.

دولت در رأس قدرت قرار گرفت

انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری با پیروزی «چشم» گیر احمدی نژاد پایان یافت و دولت احمدی نژاد در رأس قدرت قرار گرفت. انتخابات اخیر در تاریخ جدید ایران بی سابقه بود. ۸۵٪ واجد شرایط در رأی گیری شرکت کردند که رقم مطلق آن تقریباً به ۴۰ میلیون نفر می رسید. مردم ایران این انتخابات را با شور و شوق استقبال کردند و با علاقه کامل در آن شرکت جستند. اما نتیجه انتخابات شکل معکوس به خود گرفت. آنچه انتظار می رفت عملی شد رقیب احمدی نژاد یعنی میر حسین موسوی با بدست آوردن ۱۴ میلیون رأی در برابر ۲۴ میلیون رأی احمدی نژاد شکست خورد اما او این شکست را قبول نکرد. تقابل در میان هواداران هر دو طرف به اوج خود رسید. خیابانهای تهران و شهرهای بزرگ مملو از انسانها شد نیروهای هر دو طرف در مقابل هم قرار گرفتند. این تقابل شکل بلوا به خود گرفت که در جریان این حادثه کسانی کشته شدند زخم بر داشتند و دستگیر شدند.

حالا در شهرهای ایران، بویژه شهر تهران آرامش بعد از طوفان حاکم است. دولت کابینه خود را تشکیل داده و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده است. مجلس وضع تک- تک وزرا را بررسی کرد و دولت رأی اعتماد گرفت.

جارو جنجال پشت سرمانده حالا کار عملی در پیش است از جمله وضع اقتصادی در جهان بحران زده، انگل انرژی اتمی و مسئله تشدید تحریم در مقابل عدم انعطاف دولت در برابر شورای امنیت سازمان ملل.

قتصاد ایران وابسته به نفت است. بحران سراسری قیمت نفت را به حد چشم گیری پائین آورده است از این طریق در آمد ارزی دولت نیز کمتر شده است. در نتیجه قیمت های ارزاق بالا می رود. بیکاری افزایش می یابد و در کل وضع زندگی مردم بدتر میشود. در صورت تشدید تحریم بخصوص تحریم خرید نفت وضع بد تر از آن خواهد بود که تصور میشود. در چنین شرایطی چه میشود کرد. تغییر اساسی در سیاست خارجی یگانه راه قابل تصور است. در مورد انرژی آتمی میان دولت و شورای امنیت توافقی حاصل شود. ایران بر گردد به خانواده بین المللی یعنی روابط خود را با همه کشورهای جهان عادی سازد. راه دیگری به نظر نمی رسد.

نکته ظریف تر از مو (۲)

در نوشته قبلی که همین سر تتیر را داشت، درباره دموکراتهای دیکتاتور و دیکتاتورهای دموکرات سخن رفته بود. اما روشن شد که موضوع یاد شده احتیاج به موشکافی بیشتری دارد. از این رو کوشیده میشود. با اضافه کردن سخنی چند، موضوع به صورت آشکارتری بیان شود. خصلت و خوی دیکتاتوری اساساً فطری و مسئله ای نهادینه و ذاتی است که از لحظه تولد با انسان زاده میشود حال آنکه خوی و خصلت دموکرات پیشه گی صفتی اکتسابی است که در پروردهای مختلف حیات یا مورد پذیرش قرار می گیرد و یا به او تحمیل میشود!

پیدایش قوانین اجتماعی و اصرار و پافشاری روی اجرای آنها و همچنین تاکید روی رعایت مو ازین و بویژه جلوگیری از تجاوز به آزادیهای ابتدائی بشری و همچنین تجاوز به روح و روان انسانها بویژه جلوگیری از دیکته نظریات افراد فرد سالار و تبلیغ روحیه مردم سالاری و... همه و همه در جهت جلوگیری از این خوی و خصلت زاده شده با انسان خاکی است!

آن زمان که نوزادی از بطن ما در جدا شده و یا به جهانی دیگر میگردد، قبل از هر چیز در اندیشه حفظ و حراست از خود و پیدا کردن فرد یا افرادی است که احتیاجات و نیازهای شخصی او را رفع کنند و با تر و خشک کردن او به ارضای خواستهای او بپردازند. گریه او در ایام گرسنگی و یا احساس درد و فرا خوانی او از مادر دایه برای تیمار او نه از حسن نوع دوستی و محبت به ما در که بلکه از خوی و خصلت فرد گرایانه او سر چشمه می گیرد. احتیاج به نوازش و در مرکز توجه قرار گرفتن حتی تاسنین بالاتر بمثابة خواست غالب عمل میکنید، کودک با استفاده از وضعیت موجود با دیکته خواستهای خود بر اطرافیان حسر بر تری طلبانه خود را بروز میدهد. اگر تلنگورهای لازم و تدابیر باز دارنده به او تحمیل و یا آموزش داده نشود این خصلت های عریزی بمانند کاراکتر غالب عمل کرده و خواهد کرد. و در طول حیات ناهنجاریهای زیادی را بوجود خواهد آورد که دیکتاتور منشی از عوامل بارز آن است!

در عالم سیاست مسائل ظریف تر دیگری نیز وجود دارد که گاه مزید بر علت شده و موجب نمایان شدن بیشتر این خصلت و ماهیت می گردد اگر یک فردی که خوی و خصلت دیکتاتوری در آن شدت و حدت دارد در مسولیت و مسندی قرار گیرد و اطرافیان و پائین دستی ها او در مقابل او به کرنش و تعریف و تمجید بپردازند آنوقت فاجعه بزرگتری صورت می گیرد. چرا که این قبیل افراد با پناه گرفتن در پشت «قانون اساسی» «اساسنامه حزب یا سازمان یا گروه» و یا «آئین نامه اجرایی» به دیکته نظر و دیدگاههای خود به دیگران و در نتیجه بستر مناسبی برای فرد سالاری بوجود می آورند. دموکراتهای دیکتاتور همیشه «دموکراسی» را برای اعمال دیکتاتوری خود می خواهند گاهاً چنین افرادی نه در رأس که بلکه در میان یعنی بین رهبری و رهبری شوندگان قرار می گیرند در اینصورت میکوشند با تملق و چاپلوسی و تعریف و تمجید از بالا زمینه را برای اطاعت پائینی ها از خود فراهم آورند و برای توجیه رفتار خود مرتباً آسمان وریسمان می کنند.

آدلف هیتلر یکی از نبرز، گترین جنایتکاران تاریخ بشری است که علاقه و افری به هنرهای زیبا بویژه موسیقی و نقاش داشت او گل را بسیار دوست میداشت و گاه آنچنان احساسات ریقی پیدا میکرد که دچار گریه میشد. اما در ورای این خصوصیات خوی درنده و لبریز از عقده های درونی او مخفی و نهان شده بود بهمین خاطر با تکیه بر فلسفه و پنهان شدن در پشت شعارهای ناسیویالیزم ژرمن و سوسیالیزم مورد نظرش با تشکیل حزب ناسیونال سوسیالیست و مخفی کردن دیکتاتوری خود در ورای شعارهای فریبنده که سرابی بیش نبودند و با تعریف و تمجید هایی که افرادی مانند گوپلز و... از او می کردند یکی از بزرگترین فاجعه های تاریخ بشری را رقم زد. گوپلز، هس، آیشمن و... نیز دموکراتهای دیکتاتوری بودند که در پشت دیکتاتوری مانند هیتلر پنهان شده و دمار از روزگار پائینی ها و مردم می آوردند.

مائو رهبر چین آن زمان که موفق نشد افکار خود را بر خروشچف تحمیل کند چرا که خروشچف نیز مانند مائو یک دموکرات دیکتاتور بود به ابداع تئوری ۳ جهان پرداخت و با سوسیال امپریالیزم خواندن شوروی عملاً بد همان کاری کمک کرد که خروشچف در پی آن بود. انقلاب فرهنگی چین که از نقطه کور منفر مائو تراوش کرده بود نیز یکی از فاجعه های بزرگ بشری است.

شاه ایران تحصیل کرده غرب بود با هنر موسیقی و ادبیات و فلسفه و حیات غرب آشنایی داشت لکن وی دموکراتی دیکتاتور بود که حتی سایه خود را نیز تحمل نمی کرد. همین آدم از دو ختن لب های کریم پور شیرازی و آتش زدن او ابزار آرامش میکرد اما سنا، شورا داشت و با اعوان وانصار خود که پیوسته به تعریف و تمجید او می پرداختند شور و مشورت میکرد لکن در نهایت فرمان خدا یگانی و ملوکنه بود که اجرا میشد و سایه خدا در زمین حرف آخر را می زد و...

مشاهده چی ۵ سپتامبر سال ۲۰۰۹

لبنان، حکومت متکی به دموکراسی و یا حاکمیت عشیره های متمدن؟

سر انجام پس از مدتها، سعد حریری کابینه خود را به میشل سلیمان رئیس جمهور لبنان که فردی فرا گروهی و مورد اعتماد همه طرفهای در گیر است، تقدیم کرد! اما بلا فاصله گروه ۸ مارس (انتلاف حزب الله و میشل اوون) این ترکیب را پذیرفت و سر آغاز بحران جدیدی در لبنان شد.

گروهی که سعد حریری بر آن رهبری میکرد و میکند و به گروه ۱۴ مارس معرف است ملغمه ایی از گروههای مختلف است. این گروه در جریان انتخابات ۷۱ کرسی و گروه رقیب بیش از ۵۰ کرسی از مجلس لبنان را تصاحب کردند.

همه چیز را ولید جنبلاط بهم زد او با خارج شدن از گروه ۱۴ مارس، تعداد کرسی های این گروه را از ۷۱ به ۵۴ رساند. جنبلاط فرزند کمال جنبلاط رهبر حزب سوسیالیست لبنان و از افراد صاحب نام در عرصه سیاسی لبنان است. ولید جنبلاط که عملاً بیشتر وقتها روی دو صندلی می نشیند، پیوسته دارای مواضع لغزنده می باشد. از همین رو جدایی او از سعد حریری و نزدیکی اش به گروه ۸ مارس بمثابة انتلاف او با شیخ نصرالله نیست!

عدم پذیرش ترکیب کابینه معرفی شده از سوی سعد حریری قبل از همه از سوی میشل اوون هم پیمان شیخ نصرالله صورت گرفت. میشل اوون می خواهد یکی از بستگان نزدیکش در رأس وزارت ارتباط که یک ارتباطات کدیکی از وزارتخانه های پر در آمد و حساس است قرار بگیرد. امری که سعد حریری با آن مخالف است.

جامعه بشدت عشیره ای لبنان، شعیه ها، سنی ها، در وزیها، مارونی ها و بویژه مذهبیون سنتی جبل آمل و... که هر کدام بخاطر علائق، سنن و مسائل سیاسی، به خارج از کشور همبستگی دارند، خیلی زود با یکدیگر انتلاف کرده و خیلی زود این اتتلامها را بهم می زنند. سفر سعد حریری به عربستان قبل از تقدیم کابینه به رئیس جمهور لبنان حکایت از این دارد که سنی ها علائق زیادی با عربستان دارند، بدون شک شعیه ها با ایران و سوریه، مسیحی ها با فرانسه و آمریکا و... همین مناسبات را دارند.

اسرائیل نیز هرگز نمی خواهد که یک لبنان قدرتمند و با ثبات و متکی بر دموکراسی را در همسایگی خود ببیند. بهمین خاطر می کوشد بهر وسیله ایی شد آتش نفاق و دشمنی را بین گروهها موجود در لبنان دامن بزند، موشک پرانی و گلوله باران اخیر لبنان توسط اسرائیل در حقیقت قبل از اینکه حمله نظامی باشد هشدار باش سیاسی بود که این فکر را القاء میکرد که اگر در لبنان حزب الله قدرت بیشتری پیدا کند دوباره جنگ و نا آرامی آغاز خواهد شد و این خود نمونه بارز دخالت در امور داخلی لبنان است.

برخی از مفسران غربی می کوشند کلیه حوادث لبنان را به گردن حزب الله ایران و سوریه بگذرانند. اما این یک کارزار تبلیغاتی نا درست و خاک پاشیدن بچشم مردم منطقه است. تردیدی نیست که حزب الله روابط بسیار خوبی با ایران و سوریه دارد اما این بدان معنی نیست که اعضاء و هواداران حزب الله که

عده کثیری از مردم لبنان را تشکیل میدهند بخاطر رضایت خاطر ایران و سوریه کشورشان را به ویرانی میکشند و خانه و خانواده خود را در معرض نابودی قرار میدهند بر عکس حزب الله از آن لحاظ تقویت میشود و از سوی مردم لبنان حمایت میشود که روحیه استقلال طلبی و عدالت پروری در آن وجود دارد. این کلمات و جملات نباید بمعنی دفاع از حزب الله بلکه بمثابه پذیرش یک حقیقت و آنهم وجود یک نیروی قدرتمند در حیات سیاسی لبنان است.

لبنان کشوری نیست که در آن دموکراسی حکومت میکند. بلکه کشوری است که در آن عشیره های متمدن در چارچوب منافع گروهی خود بعضاً با هم اتحاد و بعضاً با هم در گیر میشوند. قانون اساسی، ترکیب مجلس و ریاست آن ترکیب کابینه و... همه روی توافق گروهی و قومی و مذهبی استوار شده است. مقاومت فوادسینی یوره در سال گذشته در تقابل گروه حزب الله و مقاومت ینی بری در مقابل سینی یوره و توافق بر سر میشل سلیمان پس از ماهها بحث و مذاکره حکایت از آن دارد که جامعه لبنان چه پیچیدگی هایی دارد.

اینک سعد حریری نا توان از توافق با گروه رقیب استعفا داد و معلوم نیست چه کسی از میشل سلیمان به تشکیل کابینه معرفی شود و باز روشن نیست که فردا حریری، سینی یوره و یا فرد دیگری که معرفی میشود بتواند توافق ملی را فراهم آورد از همین رو بحران موجود همچنان ادامه خواهد یافت!

علی ۱۴ سپتامبر سال ۲۰۰۹

این خشونت به کجا ختم میشود؟

در روزهای اخیر صفحه شطرنج سیاسی ایران شاهد حرکت‌های اندیشه انگیز جدیدی شده! دستگیری آقایان الویری و یهستی و... مهر و موم کردن دفاتر آقای کروبوی و حزب اعتماد ملی، و تجاوز آشکار تر به حریم های آقای موسوی، موضع گیریهای آقایان احمدی نژاد و صادق لاریجانی، بیان ثمنیل «قرآن بر سر نیزه کردن» خطبه های اول و دوم آقای خامنه ای و اشاره وی به بر خورد امام علی با دشمنان و بویژه با خوارج و همچنین عملکرد آقای خمینی با مهتدس بازرگان، بنی صدر و آقای منتظری و... و مقایسه دوران کنونی به حوادث سالهای (۱۳۶۰) (هزار سیصدوشصت) و تاکید ولی فقیه روی این مسئله که در روز قدس تنها مسئله فلسطین باید مطرح شود با بیانات متکی بر سیاست شلاق و شرینی کوشید ضمن تحلیل وضعیت موجود و ظایف ارگانهای ذیصلاح حاکمیت را نیز روشن سازد و همچنین به افرادی چون هاشمی رفسنجانی، اردبیل، موسوی و کروبوی نیز گوش زد کند که اگر پای خود را از خط دایره سرخ فراتر بگذراند بر خورد خواهد شد.

رویدادهای نام برده شده آنهم در آستانه باز گشایی مراکز آموزش کشور خود حائز اهمیت است چرا که رژیم به شدت نگران اوضاع و احوال کشور و بویژه مراکز آموزش است. تکیه روی تدریس علوم انسانی و پاسخ های دکتر سروش بمثابه به یکی از پایه گذران مبارزه با سنت گرایان محافظه کار از

موضع ننولیبیرالیسم حکایت از آن دارد که مراکز آموزش کشور آستان حوادث بسیاری بوده و خواهد بود. همچنان روحانیون صاحب نام شیوه سکوت و موضع گیری اعتراضی نرم را در پیش گرفته اند و قصد ندارند با آقای خامنه ای بطور مستقیم مقابله کنند و همچنین فعالیت پی گرانه مصباح و خط «فردیت» که از در گیریهای بین آقای خامنه ای و دیگر ناراضیان اصول گرا و بعضاً اصلاح طلب در جهت پیش برد خطوط فکری خود استفاده می کنند نشان گر این حقیقت است که سیستم مذهبی ایران مسائل خیلی جدی در جریان است جواب سروش به خامنه ای نه بخاطر دفاع از اصلاح طلبان که بلکه بخاطر فعال شدن مصاح یزیدیهای و.... است که خط فکری سروش ها را مورد هدف قرار داده است!

حجره دری برخی از سر سپردگان به ارگانهای امنیتی و دواپر سیاسی کشورهای غربی که در رسانه های این کشورها با دادن «رهنمودهای» پوچ و بی اساس همچنان به تحریک احساسات و خشوش و بغرنج تر کردن صحنه سیاسی کشور آنهم برای آماده ساختن شرایط لازم برای باج گیری کشورهای غربی از رژیم در شرایط کنونی است، همچون گذشته جز زیان و ضرربه اصلاح طلبان و جنبش چیز دیگری در پی نخواهد داشت! توجه دادن مردم اینکه چرا شب احیا و بر گزار نشده و یا نماز جمعه و یا عید فطر این شد آن شده و چرا در مصلا بر گزار نشده و نمیشود و... در حقیقت چیزی جز به بیراه کشاندن اهداف جنبش مردمی که خواهان حکومت متکی بر آزادیهای دموکراتیک و بر قراری عدالت اجتکاعی است. نبوده و نیست!

حاکمیت خیلی خوب میداند که خطر جدی و فوری است بهمن خاطر میکوشد دامنه ای اعتراضات و جنبش حقیقی و پر دامنه مردم ایران را که در طی سالیان اخیر (طی سی سال) در جریان بوده و کاملاً خواستهای مادی و زمینی دارد به کانال اختلافات مذهبی و جناحی بکشاند و بی محتوا سازد.

آنها اینکه تاریخ نه چندان دور کشور را هنوز فراموش نکرده اند خوب میداند که مردم ایران و جنبش انقلابی آن که نیروی محرکه آن را ابتدا حاشیه نشین شهرها تشکیل میداد و به مرور اقشار و طبقات دیگر نیز به آن پیوستند و بویژه طبقه کارگر ایران و علی الخصوص کارگران نفت گردان پیش رو کار گران ایرانی که کمر رژیم شاه را شکستند با شاه اختلاف مذهبی و دینی نداشتند. شاه ذاتاً فردی مسلمان بوده شدیداً باورهای مذهبی داشت به خاک رومی ضریح امام رضای رفت احرام می پوشید و حتی چندتن از امامان را نیز در خواب دیده بود و با برخی از مراجع تقلید نیز ارتباط نزدیکی داشت. در محرم و رمضان مراسم مذهبی دایری کرد و به رشد و توسعه مساجد و هئیت های مذهبی رواج خاص داده بود. حسنیه ارشاد، مهدیه تهران و مساجد صاحب نام دیگر که هر کدام جریانهای ویژه مذهبی را بدور خود جمع کرده بودند همیشه دایر بود و پر از جمعیت. مردم ایران بدان خاطر شاه را نمی خواستند که بیعدالتی اجتماعی بیداد میکرد شکاف طبقاتی روز به روز عمیق تر میشد ثروتهای کشور به تاراج میرفت و آمریکا و انگلیس حاکم سرنوشت مردم کشور شده بودند. روحانیون سوار امواج انقلاب شدند، غرب شرایط لازم را برای حاکمیت آنها فراهم آورد و شد آنچه ما امروز شاهد آن هستیم!

اینک بار دیگر زلزله ایی سخت کشور ما را به لرزه در آورده این بار هم افشار بینا بینی و بخشی از افشار مرفه در مقابل رژیم ایستا دند در صورت عمیق تر شدن و گسترده تر شدن امواج اعتراضی که آنهم احتیاج به رهبری و بر نامه و استراتژی دارد همه افشار جذب این حرکت خواهند شد، امری که در جریان انقلاب بهمن صورت گرفت. افشار بینابینی و مرفه که امروز در صف نخست در گیری با حاکمیت قرار دارند از پوسته موجود تنیده شده بردور خود بشدت ناراضی و ناراحت هستند از همین رو می کوشند با شکستن این پوسته زمینه را فضای مناسب تر زندگی خود فراهم سازند گوناگونی طیف معترضین و شعارهای مطرح شده در جریان اعتراضات حکایت از آن دارد که جنبش احتیاج میر می به همانگی عمومی و تدوین و تنظیم برنامه و گزینش یک رهبری با تجربه و جسور شجاع دارد.

آنها نیکه ایران امروز را با هندوستان دوران گاندی و افریقایی جنوبی دوران آپار تایید مقایسه می کنند سخت در اشتباه هستند ایران نه هندوستان نه افریقا و نه هیچ جای دیگر نیست، ایران ایران است با خود ویژگیهایی که شبیه هیچ کشوری در دنیا نبوده و نیست.

امروز بیش از هر زمان دیگر توافق، همفکری، و حدت عمل همد نیروهای سیاسی کشور و تدوین و تنظیم برنامه روشن مبارزه با حاکمیت و دور شدن از مباحث دینی و فقهی و مطرح ساختن همه شمول ترین خواست کلیه مترضان ضروری است. تا از تکرار یک فاجعه دیگر جلوگیری بعمل آید، امری که زیاد دور از دسترس نیست تنها کمی همت، تشریک مساعی و از هم گذشتگی گروهی لازم دارد! در غیرینصورت این خشونت ادامه خواهد یافت.

علی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۹

احساسی درد آور

اواخر تابستان است. یکسال دیگر از قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم در سال ۱۳۶۷ میگذرد، دختر، پسر، زن، مرد، پیرو جوان دسته دسته بدار آویخته و یا تیر باران شدند و بعد در گورهای دسته جمعی دفن شدند! فرمان تیر به جوخه های آتش داده شده بود و مضمون آن بسیار کوتاه بود، «هر که سر موضع است از بین برود...»

حتماً فراموش نشده است که، قبل از این قتل عام، زندانیان سیاسی که هیچ جرمی بجز تلاش در راه بهروزی، سعادت و بر قراری عدالت اجتماعی نداشتند و بقول هوشنگ ابتهاج که می گوید «آنکه امروز در بند شماس است. در پی فردای فرزند شماس» در اتاقهای تمشعیت مجبور به مسخ هویت شده و با شرکت در نمایشات مفحک و جان گاه و... برای مرگ آماده میشدند.

باز هم هرگز فراموش نشده است که پس از یورش دوم به حزب توده ایران در ده اردیبهشت سال ۱۳۶۲ موسوی اردبیلی طی صدور بیانیه ای اعلام داشته بود کسانیکه تا ۲۵ خرداد همین سال به مراجع صلاحیتدار مراجعه نکرده و امان نامه در یافت ندارد بمثابه یاغی، باقی ... دستگیر و مجازات خواهند شد.

لحظه به لحظه آن روزها در مغزم حک شده و دوستان و آشنایان من در شرایط سخت و طاقت فرسایی قرار داشتند ما انتظار میکشیدیم و توقع داشتیم و جدانهای بیدار و انسانها نوع دوست صدای خود را بلند کنند و از درد ما بکاهند اما افسوس، افسوس که همه در خواب فرورفته بودند و هرگز فکر نمی کردند که این شتر درخانه آنها نیز خواهد خوابید!

عده ای یورش به حزب و سرکوبی آنرا بزرگتر از «فتح المبین» (یکی از پیروزیهای یزرگ نیروهای ایرانی در مقابل عراقیهای متجاوز) ارزیابی میکردند، شخصی میگفت به یاری خداوند متعال بزرگترین حزب خاورمیانه را از بین بردیم» و برخی از نیروهای ملی و مذهبی با کنایه و طنز به ارزیابی این حادثه درد ناک که در حقیقت سر آغاز حمله به همه دست آوردهای انقلاب و همه آزادیهای دموکراتیک بود، می پرداختن! من آن روز یک احساس درد آوری داشتم و پیش خود فکر میکردم چرا جامعه ما سکوت کرده؟ چرا روشنفکران دگراندش ملی مذهبی ها و ... به بغربخی و ترسناکی لحظات کنونی نمی اندیشند!

هر روز خبرهای در ناکی از داخل زندانها بگوش میرسید. رژیم با استفاده از همه امکانات و دست یازی به آخرین متدهای جنگ روانی و تجاوز به روح و روان یک جهنم واقعی بپا کرده بود.

اینک تابستان سال ۱۳۸۸ است، کشور ما باری دیگر شاهد حوادثی مشابه آنچه که در آن سالهای گذشت البته با مقیاس کوچکتر روبرو شده است. من به بمتابه کسی که آنروزها توقع زیادی از مردم و روشنفکران و افکار بین المللی داشتم و خود را تنها و بی کسی حس میکردم، اینک خیلی خوب و وضعیت دوستان اصلاح طلب را درک می کنم که در مظان اتهامات واهی و بی پایه و تحت تأثیر جنگ روانی و تجاوز به روح و روانشان به مسخ هویت خود پرداخته اند و یا نا امید و دلسرد شده اند. بهمین خاطر با آنها همدردی می کنم و کارزار تبلیغاتی و رورانی رژیم بر علیه آنها را ترفندهای حاکمیت ارزیابی می کنم می کوشم درحد توان خود در کنار آنها باشم، و هرگز فراموش نمی کنم که وقتی خبرنگار بی. بی. سی از هاشمی رفسنجانی پرسید در زندانهای شما افرادی از رهبران حزب توده ایران که افرادی مسن و بیمار بودند (و حتی نام چندتن از آنها را ذکر کرد) تیرباران یا اعدام شده اند؟ رفسنجانی در جواب گفت «من این افراد را نمی شناسم و اسامی اینها را نشنیده ام» حال آنکه آقای رفسنجانی و فلاحیان و... درباره تک تک این افراد اطلاعات کافی در دست داشتند!

آری اینک دوباره آخر تابستان است نمایشات تله وزیونی در جریان است در اتاقها تمشعیت باز انسانهای شریفی مسخ هویت می شوند. بیآئید بخاطر روح بزرگ شهدای فاجعه ملی و همه قربانیان این رژیم و تجدید عهد با آرمانهای والای آنها از تکرار فاجعه های ملی و قتل عام های دیگر زندانیان سیاسی و تجاوز به روح و روان دگراندیشان جلوگیری کنیم و به شهدا بگویم که هرگز از مبارزه در راه آرمانهای شما دست بر نخواهیم داشت!!!

مشاهده چی ۳۰ اوت سال ۲۰۰۹

مهاجرته

(ایوب نمینی نین کئچدییی آغیر و مشقتلی
حیات یولونون و شاهی اولدوغو حادثه لرین
موتیولری اساسیندا قلمه آلدیم)

شاختالی چوغونلو بیر قیش آخشامی،
آیریلدیم یوردومدان، دوغمالاریمدان.
قلبیمده غم - قصه، من آح گتیریدیم،
وطن دن وطنه پناه گتیردیم.

محطین آمانسیز ضربه لریندن،
بیلمه دیم حیاتدان کوسوم، باریشیم؟
ظلمو، حاقسزلیغی گوزومله گوروب،
حاق دان، عدالت دن نجه دانیشیم؟

وطن دن، تورپاقدان سوز دوشن زمان،
باشیمین اوستونو بورویور دومان،
ئوتن ایللریمین خوشبخت چاغلاری،
گوزلریم ئونونده جانلانیر او آن.

ایسته رم بیر آنلیق چتین ده اولسا،
زمانین چارخینی قایتارام گنری.
سیلرم عمرمون صحفه سیندن،
بختیمه یازیلان قارا گونلری.

جسور اوغوللارین، جسور قیزلارین،
آزادلیق اوغروندا ووروشانلارین،
یازیلسین تاریخه قهرمانلیغی،
شهید مزاریندا اویویانلارین.

فرحناز شیپانی

عشق رزم

حکایت شمع و پروانه

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی
یکی از نوابع بلند پایه ی جهان شعر و ادب
فارسی میباشد.

سعدی به تحصیل و مطالعه در
زادگاهش شیراز و نظامیه ی بغداد اکتفاء
نکرد، برای کسب دانش، آموختن و آزمایش
شیوه های زندگی افراد، در جوامع مختلف به
اندوختن تجارب ملل پرداخت:

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی،
صوفی نشود صافی در نکشد جامی:

(کلیات سعدی، جلد چهارم، تهران، ۱۳۶۳، ص. ۴۹۰)
سعدی در شرایط نا امنی زمان خود با
تهور عجیب به سفرهای طولانی دست زد.
سعدی مشاهدات خود را با تحلیل های همه
جانبه و همه فهم در قالب اشعار و حکایات
نغز با فصاحت و بلاغت کم نظیر بیان کرده،
راه زندگی خوشبخت و مقام رفیع انسانیت را
به جویندگان آن در «بوستان» و «گلستان»
ارائه داده است.

در نوشته ی حاضر یکی از حکایات
«بوستان»، موضوع «شمع و پروانه» مورد
کنجکاو ی مؤلف قرار گرفته است.

(کلیات سعدی، جلد نوم، ۱۳۶۳، ص. ۱۲۰ - ۱۱۹)

از نظر سعدی آزادی و احترام به شخصیت انسان رکن اساسی جامعه ی بشری است. به نظر
سعدی بدون حق طلبی، بدون عشق رزم، بدون مقاومت در مقابل زور گونیها زندگی بی معنی است،
مبارزه و مقاومت به زندگی انسان ها شکوه میبخشد و آنرا جاوید میسازد. به نظر سعدی عشق مبارزه و
مقاومت منبع آزادی و آفرینش هاست. سعدی این مقوله را در «حکایت» و یا تمثیل «شمع و پروانه»
بصورت بدیع و با لحن بسیار شیوایی بیان کرده است.

در این حکایت، شمع به مثابه عاشق آزادی و قهرمان میدان مبارزه تصویر میشود. شمع برای نیل به هدف نهائی با شهادت خود مقام حق طلبی را به عظمت معنوی ارتقاء میدهد و راه سعادت و هستی را در پرتو از خود گذشتگی ها نمایان میسازد.

مضمون شعر «شمع و پروانه» باختصار چنین است. پروانه خطاب به شمع میگوید:
که من عاشقم، گر بسوزم رواست،
شمع چنین جواب میدهد:

ترا گریه و سوز باری چراست؟

بگفت ای هوادار مسکین من،

برفت انگبین یار شیرین من.

چو شیرینی از من بدر میرود،

چو فرهادم آتش بسر میرود.

همیگفت و، هر لحظه سیلاب درد،

فرو میدویدش بر خسار زرد.

شمع به سخنان خود ادامه داده میگوید:

که ای مدعی، عشق کار تو نیست

که نه صبر داری، نه یار ای ایست.

تو بگریزی از پیش یک شعله خام،

من استاده ام تا بسوزم تمام.

ترا آتش عشق اگر پر بسوخت،

مرا بین که از پای تا سر بسوخت.

اگر عاشقی، خواهی آموختن،

بکشتن فرج یابی از سوختن.

این سخنان سعدی اشاره ایست به ضرورت رزم و مقاومت انسان ها که بصورت آتش و دود جلوه گر میشود.

سعدی بر این باور است که، عشق شهادت را باید با معنی وسیع و همه جاتبه ی آن در نظر گرفت.

فعالیت جان فرسای یک مخترع و یا عمل فوق العاده ی یک فرد که برای خدمت به جامعه و رفاه خلق انجام می یابد اجر شهید را داراست. اینگونه بر خورد و ارزیابی از مفهوم شهادت درباره ی فعالیت کلیه ی افراد که برای خدمت به خلق در عرصه های گوناگون سیاسی، اجتماعی و اخلاقی صورت میگیرد صادق است:

اگر عاشقی سر مشوی از مرض،

چو سعدی فرو شوی دست از غرض.

مقاومت در برابر زور گونیهها، گاهی با شهادت تکامل می یابد. بنظر سعدی عشق شهادت بمنظور فتح و ظفر توده ی ملت عملی است افتخار آمیز، بنابر این براه انداختن گریه و زاری برای مقتول مقبول نمیباشد. در این باره، سعدی دیدگاه خود را در شعر «شمع و پروانه» بوضوح بیان کرده است:

مکن گریه بر گور مقتول دوست،

برو خرمی کن که مقتول اوست.

سعدی برای اصلاح جامعه اشاعه ی پند و اندرز را مفید دانسته و بهمین جهت «تمام مکارم و

رزایل معروف زمان خود را با شیرین ترین طرز و محکمترین اسلوبی مدح و ذم نموده است».

سعدی، بر خلاف عقیده ی برخی از منقدین او مانند علی دشتی (علی دشتی. قلمر و سعدی، تهران،

۱۳۳۹، ص. ۲۵۰) در خصوص تحول جامعه پابند تمایلات اعتدالی نبود و گاهی با روحی سرکش

عواطف درونی خود را با لحن بسیار فصیح و بلیغ بیان داشته و شاید این طرز بیان بر جهان بینی واقعی وی سایه افکنده است.

محتوی و مضمون شعر «شمع و پروانه» در حقیقت مظهر آزاد اندیشی و پیکار جویی سعدی علیه

ستم زور گویان دوران خود میباشد. سعدی در همین شعر «شمع و پروانه» نیل به هدفهای نهائی را

مرهون سرسختی عاشقان راه آزادی میدانند:

فدائی ندارد ز مقصود چنگ،

و گر بر سرش تیر بارند و سنگ.

بنظر سعدی کامیابی و کسب مقام جاودانی مجاهدین در گرو بی باکی، جسارت و تحمل مشقت ها

است و در همین راستا خطاب به خودش میفرماید:

سعدی، بلب دریا در دانه کجا یابی؟

در کام نهنگان رو گر میطلبی کامی.

(کلیات سعدی. جلد سوم، ص. ۴۹۰)

غنی رغم همه ی مصائب و دشواری های موجود سخنان شیخ سعدی خواننده را از طرق نیل به

زندگی بی دغدغه و پر نشاط آگاه میسازد، در دل عاشقان حق و عدالت نهال امید می پرورد و آنان را

بادامه ی پیکار تر غیب مینماید:

گرچه شب مشتاقان تاریک بود، اما،

نومید نباید از روشنی بامی.

(کلیات سعدی، ۳، ص. ۴۹۰)

از کتاب «حیاتی دوشونرکن»

پروفسور اسد یعقوبی

قیزیل و گوموش چکمه چیلر کیمدیلهر؟

همیشه و معاصر دوردی ایرانین محصولدار و بویوک ایالتلریندن بیرلی اولان آذربایجان دیاری مصیبتلر گنیرن سیاسی و اجتماعی حادثه لرین چوخلی سایدا شاهدی اولموشدی. روس - ایران محاربه لری گیدیشینه گنیش و محصولدار بولگه لر اولان مغان، طالیس و شیروان تورپاقلاری نین بیر حیصه سینین روسیایا ویریلمه سی، اصلینده آ- اورگینه و وورولان خنجردن بوتولگیگینین پوزولوب ایکی حصه یه پارچالانماسی ملتیمیزین یارالی قلبینه داغ چکدی و آلواندیردی. رضا شاه پهلوی حاکمیت گلدیکدن و قدرت صاحبینه چپویرلدیکدن سونرا ایرانین بیر چوخ و لایتلری کیمی آذربایجان دیاری ده بویوک بلالره دچار اولدی. پهلوی دستگاهی نین ضد ملی سیاستی نتیجه سینده نولکه ده ظلم ایله یاناشی اختناق لار آرتدی. بیگانه انگلیس آلمانلارا باغلی اولان دولتترین ایش باشینا گتیریلمه سی خالقین قارا گونلرین داها دا پیسلسدیردی. ینی باشلانان قانون و قاعدالار بوتون ساحه لری بیر - بیرینه قاریشدیردی. اردبیل، مشکین، مغان و قارداغ ولایتلرینده یاشایان انسانلارین اکثریتی نیندولامیش شرائطی دوزولمز اولدی.

بونولا برابر پهلوی نین ینی سیاستی نین اجرا اولونماسی تخته قاپی مدنی - معارف ده ضد ملی - تغییر لباس، سید مللارین بل یندن گوی رنگلی قورشاق و عمامه لرین گونورولمه سی، مسجدلرین باغلانماسی، اقتصادیاتداکی دله - نورلوق و اونون اداره اولونماسینداکی قارائلیق گورونتیلر، خالقین عمومی ناراضیلیغینا سبب اولموشدور. بوتون بونلارلا بیرلیکده نولکه نین امنیتینی قوروپان مأمورلارین ظلم و اذیتلری، اونلارین یارارسیزلیقی، شاهین اقتصادی سیاستی نتیجه سینده بگلر خانلارین بویوک بیر دسته سی همدی بویوک تورپاق صاحبینه، مالک و ارباب درجه سینده چاتدیلا. بله لیکله اساس زحمتکش کندیلرین یوخسول وضعیتینی داها دا آغیرلاشدی. اکین تورپاقلاری نین ظلم کار و استثمارچیلارین و ینی دوره قدم قویان ینی مالکلرین غارت چیلیک فرصتی آرتدی. قارا گونلر کچیرن بویوک زحمتکش انسانلارین یاشاماق امیدینی آزالدی. بونا گوره ده بیر چوخ زحمت آدمالاری تک و یاخود خانواده سیله بیرلیکده اردبیل، تیریز، تهران شهرلرینه کوچوردیلر. بو انسانلار گوستریلن شهرلرده ایش تاپمادیقدا، گونده اونلارلا انسانین نولومونه باعث اولان بیر سیرا یولخوجی خسته لیکلرین باش آلیب گندیگینی گوردیکده ایش ایچون شمالا، خصوصیه قفقاز بولگه لرینه باکی یا اوز توتوردیلار. بو ایش سیزلر اوردوسونون آخینی نی بعضاً تاریخ چیلر ۴۸- ۱۸۴۷ - نجی ایللرده روس مهندسی N. Semyonov تشه بوسیله بی بی هیبتد صنایع اصولیه ایلک درین قوی قازیلماسی تاریخی ایله گوستریلر. بیزجه بو حقیقته اویغون دگیلیر. بیر نچه مین ایل بوندان قاباق و ان انسان مسکنی اولان آذربایجان دا یوزلرله اوبا، قیشلاق، کند، قصبه و بوکونکی هر ایکی طرفه کچید منطقه لری- جلفا، بیله سوار، و آستارا شهرلری کیمی پارچالانیب هر ایکی طرفه آنا آدینی - موجودیتی نی ساخلاماسی ددیکلریمیزه ثبوت دیر. بدنام ترکمن چای مقوله سیندن (۱۸۲۸) سونرا داتا ۱۹۲۵ - نجی ایله قدر ۱۵۰۰ (مین بش بوز) کیلومتر دن آرتیق سرحدی اولان

آذربایجان دیاریندا یاشایان انسانلاری بیر- بیریندن آیرماق ممکن اولمامیشدی. نظامی سرحد اولمادیقدان ایسته - نیلن وقت ایسته نیلن یردن گیدیش گلش، حتی قیز کوچورمک و گلین گتیرمک ممکن اولموشدور. اودور که، جنوبدان شمالا انسان - ایشسیزلر اوردو سونون آخینی نی مین تاریخله باغلاماق دوزگون دگل.

ایران سووه ت دولتری نین آچیق و گیزلی سودالاشکاسیندان سونرا ۱۹۲۶ - مجی ایلین یازیندان ۱۹۴۰ - نجی ایلین اوللرینه کیمی شمالی آذربایجانین مختلف بولگه لرینده کوک- مسکن سالان انسانلارین (ایرانلیلارین) بویوک بیر دسته سی انزلی، آستارا، بیله سوار و جلفا کچید منطع لریندن (گمرک) وطنلرینه گلدیلر و نجه گلدیلر؟ «ایکی نفر» Enkvede (امنیت مأمورلاری) ضابطی ایچری گیررک، اولار، دیبرک گولومسه دی و آتامین فاملیاسینی اوخودی. محدی حسین صفا بگلری سیزسینیز. آتام اودقوناراق، قورخا- قورخا بلی منم دیبه بیلدی. ضابط امر ایبرمیش کیمی، گلین نین، بیزیمله گیدجک سینیز دیدی. آتام قورخوش حالدا جواب ویردی. من حاضر ام. عاقللی و تدبیرلی قادین اولدیفیندان آخسامدان آتام کچیک بیر یورغان، یورغانین ایچینه کچیک بیر بالینج، ایگنه ساپ و بیرده قند ایله چای قویموشدیرکه، تورمه ده (زندان) لازم اولار. آتام تز باغلامانی آتام ویریب دیدی: «قورخما قولی، بیر آز محکم اول، من سنین دالینجا گله جگم». هارا آپاریلدیفینی بیلمه ین، آرواد - اوشاقلاریندان وطنینه گوندرمک آدیله ذورلا آبییرلان، نچه ایبلر بوی زحمتله قازاندیقی وار - یوخدان محروم ایکیلن مین لرله ایرانلی انسانلارین باشینا گتیریلن مصیبتلردن کچیک بیر منظره ینی نوز باشینا گلن و گوره ن و بولوحه نی باکی ۲۰۰۹ - نجی ایل خاطره کتابیندا ویره ن شاعر عارف صفا «قورخما قولی، بیر آز محکم اول، من سنین دالینجا گله جگم». دمه سی میلیونلارلا آذربایجان قادینین نوز ارینه وفالیقینی، تمیز و پاک قلبه مالک اولدیفینی گوسترمکله خیرخواه ایش گورمیشدی.

چی لینگ آعاج اوینادیقیم، آخشام چاغلاری ناخیرین قاباقینا گندیب مال- قارانی گتیرن، قارقیدان آت دوزلدیب می نن، حیطی میزده بیتن قارا توتون شیره سیندن بوغ قارالدان دور ایدی. انله، اوبایا، کنده کسگه خبر یایلمیشدی که، او تایدان (شمالدان) ایرانلیلار گلیر. کچید قاپیسی (گمرک) بیله سوارادا قونشولوقدا یرلشدیگی ایچون بیر دسته نین تیمه ایله گمریکین ایران طرفینده دایانیب گوزله دیک دولتین هیچ بیر مقاملاری نین رسمی نماینده سی طرفیندن قارشلانمایان بو انسانلار گمرک مأمورلاری طرفیندن تلم - تله سیک قیده آلینوب

آچیق چوله بوراخیردیلار. چوخلاری نین یاشلی آدمی وفات ایتدیگی ایچون هیچ کیم طرفیندن قارشیلاندیقی گوردیکده صفتلرینده مایوسلیق علامتی حس اولونوردو. ینی دنیادا هارا و کیمین یانیندا موقتی سیغیناجاق تاپاجاقینی بیلمه ین بو آدمالارین ایران پولی اولمادیقی ایچون گیم و یاتاق اشیالارینی، خصوصاً میشته ایشله دیلن قاب - قاشیقلارین ساتیب گونده لیک یمک و یول خرجی ایبردیلر. ۱۹۳۶ - نجی ایلین بهاریندان ۱۹۴۰ - ایلین یای فصلینه قدر دوام ایدن بو. وضعیت هفته ارضینده ایکی گون تکرار اولونوردو.

ابدی وطن اولان بو انسانلار ینی جه یورد - یووا سالان، ایش آختاریب تاپان و تاپمایان، نیسبتاً راحت دولانیشیق دوزلتمک ایستیردیلرکه، انگلیس جاسوسلاری رضا شاهین خفیه مأمورلاری ایله بیرلیکده ۴۰ - ۱۹۳۹ - نجی ایلرده تهران دا سلاح انباری نین آلوانماسی اویونوی ایشه سالدیلار. رضا شاه بونولا دا ایش چورک ایچون تهرانا دولموش آذربایجانین مختلف بولگه لریندن گلیمیش آذری لری قوماق ایچون الینده بهانه ایدیرکی تهراندان اسیر شکلینده یوک آفتومبیللرینه دولدوروب تبریزدن بری گتیریب توکدیلر. دیگر طرفدن سلاح انباری نین یانماسیندا یرلی آذری لرله یاناشی شمالدان گلیمیش آذری لرین الی اولدیقینی ادعا ایده رک آذربایجانین مختلف منطقه لرینده ینی جه مسکونلار شمش اوللر ایرانلی، سونرالار مهاجروچه ره ون دیلین بو انسانلاری غیری انسانی بیر طرزده عارا بالا را دولدوروب «اولدوز» آذلی غیری ممین مکانلار سورگون ایتمگه باشلادی. متقلر قوشونلاری نین (۱۳۴۱) ۱۳۲۰ - نجی ایلین شهریورینده ایرانا داخل اولماسی، رضا شاهین نولکه دن قاچماسی آذری لرین سورگونه کتله وی قیریلماسی نین قارشیسینی آذلی.

۱۰- ۸- ایلین عرضینده ایکی دفعه یورد - یوواسی داغیلان یویوک مصیبتلرله اوزله شن بو انسانلارین ایچریسینده «قیزیل و گوموش» چکمه لی آختاران و آد قویان «تاریخ دشت مغان» مؤلفی (تهران موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران ۱۳۸۴) جناب میرینی عزیززاده حاجی میر صفر اوغلی (مشکین شهرین عالیشان سوی کندینه ۱۳۴۲ - نجی ایله اکیچی عائلیه سینده دنیایه گوز آچمیشدی).

بله یازیر: «یکی از عوامل مؤثر در نفوذ عناصر یگانه به میان طوایف شاهسون مهاجرین شوروی بودند. این مهاجرین در دوره رضا خان پهلوی از خاک جمهوری سوسیالیستی آذربایجان به طرف ایران رانده شده و چون اکثراً ثروتمند و متمکن و با سواد بودند با اشتغال به تجارت و چارواداری نفوذ فوق العاده در میان عشایر پیدا کرده بودند. عده از آنها نیز که، اصالتاً از طایفه ساری خان یگلو بودند، به واسطه قرابت و روابط ائلی احترام زیادی داشتند. آنها بعد از ورود به اردبیل و دشت مغان امور دادوسته احشام و دام عشایر را در اختیار گرفته و چنان ثروتمند شده بودند که، «قیزیل چکمه» (دارای چکمه طلایی) و «قوموش» (دارای چکمه سیمین) شهرت داشتند. پس از تشکیل فرقه دموکرات نیز برخی از روشنفکران این مهاجرین ایچون محمد خلیلی ساریخا بنگلو و دیگران کمیته ولایتی اردبیل و شعبات آن در گرمی و مشکین در دست گرفتند.» آدف - نین تشکیلیندن و ملی حکومتینین یارانماسی و سکوتینا قدر ۷۵۷ صحیفه لیک بیر کتاب - تاریخ دشت مغان کتابی نین ۳۶ صحیفه سینی حصر ایتدیگی یازیسیندا مگر، حيله بهتان، یالان، قوندارما تالایق سوزلره رواج ویرن کتاب مؤلفی بیلرکدن و یاخود بیلمه دن بیر سوزون حقیقت اولدیقینی دییر. بو بیر حقیقتیر که، شمالدان گلن باجی و قارداشلار آز چوخ درجه ده سوادلی ایدیلر و همده ایلر اوزونی اجتماعی تصرفاتلاردا (کالخور و ساوخوز) و کیچیک مأمورلیقدا ایشله دیگرلری ایچون چوخ فعال ایدیلر. محض بونا گوره ده جنوبدا باشلانان ملی آزادلیق حرکاتیندا قاینار نقطه لرده چالیشماقی اوستون توتوردیلار. دیگر طرفدن کتاب مؤلفی ۳۲ طابفا شاهسونلرین ایچریسینده بیر

سارخانبگلی طابفاسینی و بو طایفانین، خانی و همده آغ ساققالی اولان محمد جلیلی نی هدفه آلماسی حیلہ گرجه سینه دوشونولموش فکردن خبر وریر.

مملکتیمیزده شاه سونلر طایفالاری نین چوخ سایدا اولماسی سونا باخمایاراق ادبیات و تاریخیمیزه داخل اولموش ۳۲ شاه سون طابفاسی نین باشچیلاری نین آدی بگ و خانلا تمام لانیر. بو طایفالارین ایچینده یگانہ سارخانبگلی طایفاسی دیر که، مغان، بگ یوخ، آق ساققال محمد جلیلی دیر.

محمد جلیلی حیات تجربه سی زنگین، چوخ صبرلی، ساکت دانیشان، اورتا بویلی، یومری و بوغادی صفتلی، باش توکلری نسبتاً سیرک خیرخواه و وطن پرور بیر انسان ایدی، بیر ایلیک ملی حکومت دورینده (۱۹۴۵ - ۴۶) آذربایجان شاه سونلرین نین رئیس اولان اجیرلی طایفاسی باشچی سی نصرت بگ شاهی نین معاونی ایشله دیگی مدته پهلوی رژیم نین مأمورلاری نین قیشلاق و یایلاق قونشولاری و الجه ده دائمی یاشایان کندیلر آراسیندا سپدیگی نفاق تخمونون کوکینی قازدی و کسدی. خیرخواه لیق پیمانیزم، هرمت کیمی عمومی بشری حسسلری طایفا باشچیلاری آراسیندا تبلیغ ایدیردی. او، طایفا عضولری نین خیردا مناقشه اوستوده اوز - اوزه گلیب تفنگ اوینادیب، قان توکمه مگی قونشو طایفالارین بیری نین دیگرینه قیز کوچوروب گلین گتیرمه سی نی توسییه ایدیردی. قوهوم اولمالارینی دیردی. یاشایش طرز ی زنگین داخلی معنویات، حیاتین معناسینی یالینز خیرخواه عملرده گورن محمد جلیلی طایفا باشچیلارینی - بگلری، خانلاری زحمت آداملارینا اذیت ویرمه مگه چاغیرماقلا نوزینی مدافعه ایچون فکر و حیلہ ایشلتمه دن ائل - طایفا آراسیندا باش ویرن مناقشه لری هر ایکی طرفی راضی سالان ماهییت اعتباریلہ بیر طرفه اوستونلیک ویرمک ایچون سوز اوینوندان استفاده ایتمیردی. شاه سون طایفالاری آراسیندا و دائمی مسکونلار ایچریسینده تمیز انسان و معاونلیک آدینی صداقتله داشیدیقی نی جانی و قانیله نوز عمل و ایشینده و مناسبلرینده گوستیر و ثبوت ایدیردی. محض بونا گوره ده اردبیل ولایتی نین بوتون بولگه لرینده دائمی مسکونلاشان و مغان، مشکین، قارداغ قیشلاقلاریندا و یایلاقلاریندا عمر - گون کچیرن انسانلار آراسیندا محمد جلیلی بویوک نفوذ صاحبی ایدی...

۳۲۵نجی ایلین دی آبی نین اوللری ایدی. هوا چوخ سرط و سویوق ایدی. مغانین شور سولارینی چکیب خزر دریاسینا گندن انللی و درین کاناللا آخیدان ماتورلارین های- کویلی تربیتلاری مغان دوزونده یرلشن دوشرگه میزی سانکه تیتردیردی.

دوشر گه نین سما جغرافیاسیندان بیر قدر گنیش یاپلمیش قارا توستی بولوطی اله بیل بوز باغلابیب دونموشدی. نادر حاللاردا کولکلی طبیعتہ مالک اولان مغان چولینده شور سولاری دارتیب کانالا آخیدان ماتورلارین کویلی سسیندن باشقا بیر سس قولاغلارا گلکیددی. قارا دومانلی توستونون کجه - گوندوز ایشله ین تورلاردان قویان قوروم دوشرگه نین اوستونه و اطرافا چوکدیگی ایچون آز - ماز، اوردا - بوردا بی تن بیان کوللاری نی، کانالین اطرافیندا بی تن یولقون و تک - توک بی تن قامیش لاری اله بیر رنگه سالیتمیشدیکه، اویونجاق گلینه قارا پارچادان کوینک گیدیریلیمیشه اوخشایردیلار. گوی گورچینی قارا

قارغادان، سرچنی تورافیدان آیرماق چتین مسئله ایدی. بیر نجه گون توکولن قار و یاغیشدان سونرا برکتلی مغانین قارا تورپاقی نین اوستونده دوشرگه یه گنّدیب - گلّمک ایچون دوشن پیاده جیغیریندان کنارا چبخماق و قایتماق مشکل مسئله ایدی.

دوشرگه ده اردبیل، گرمی، برزند، بیله سوار، آراز و بالهاری چایلاری کناریندان گلن ۸۲ عاتلیه، سایلان یرلرده ایشله یین فرقه ایشچیلری، فدائی دسته لری، نظمیّه رئیس و ایشچیلری و ملی قوشون بولمه لریندن اولان انسانلارین سای ۸۰۰ (سکیز یوز) نفردن آرتیق ایدی. بورادا آدف. اردبیل ولایتی کمیته سی نین صدری علی میرزه زاده، شهر کمیته سی نین صدری قلی علی خیامی، ولایت کمیته سی نین تشکیلات مسؤل عباسعلی زنوزی، حربی صحرا محکمه سی نین عضوی اوجاق نوین ذولفقار بیله سوارین کچمیش شهربائی رئیسی علی داوری و حاضرکی رئیس نصیر عزیز نژاد، گرمی فدائی باشچیلاریندان مولاقلی، کورکملی انسانلاردان انقلابچی - ساطریک شاعر ابراهیم ذاکر، مجتهدی، تورک پور، آدف. نین بیله سوار، کمیته صدری اکبر جوشن پوش و بیورو عضولری - ولی زاده تاپدیق، میرحمناله داوطلبی، اسرافیل غیائی، اردبیل ولایت جوانلار تشکیلاتی نین مسؤل دیده کنان مختار، دشت مغان تاریخی نی یازان و هدفه گوتوردیگی قیزیل و گوموش چکمه چی محمد جلیلی قارداشی نصیر جلیلی، عمومی اوغلی، سارخانبگلی طایفاسیندا بویوک نفوذ صاحبی اوبان آققلی حیدرزاده مهاجر حیاتینا قدم قویموشدولار. دوستلارین اولانیندان (اوزمانکی دوستلارا منتدار و تشکر) سحری، گون اورتا و آخشام یریلن سربازخانه واری یمکله اوجوز- بوجاقسیز مغان دوزونده آیریلیق، غصه و کدرله یاشایان انسانلارین آغیز- بوغازیندان اله بیر جور اوتوردی. ۵- ۶ عاتله لی حامیله قادیندان باشقا قالان انسانلارین هاموسی اوشاق، یینی یتمه، جوان (اکثری) و اورتا یاشی سوییه سینده گوزه دبیردی، وطنیمیزده اولدیقی کیمی بیر دفعه انسانا یریلن حیاتی خیرخواهلیق دا گورن محمد جلیلی باشدا ستارخانبگلی طایفاسی نین آدلی - سانلی شخصیتلریندن اولان آققلی حیدرزاده اولماقلا برابر ۶ نفر (آلتی) سرحدین بوتون کچید نقطه لرینی (شرق، جنوب و شمال) اووجونون ایچی کیمی تانینان فدائیلردن سچیب خروسلو حوندورلیکلری نین دوشونده، اتکلرینده و دره باشلاریندا یرلشن شاه تپه، پاراقیشلاق، ساری گامیش، اینجیرلی و قیزقالاسی قیشلاقلاریندا آلاچیقلا رینی قورموش ستارخانبگیلر ایچریسینه گوندردی. سرحددن چوخ دا اوزاقلاردا اولمایان دوشرگه نین اطرافیندا ایکی گوندن سونرا ۲۵۰ (ایکی یوزاللی) باش قویون سوروسی نین ملرتی سسی دوشرگه ده انتظار و نگران یاشایانلارا سانکه لای - لای چالیردی. ملتین خوشبخت گله جگینه ساقلام عقیده و درین اینملا باخان محمد جلیلی باکی دا یاشادیقی مدته تحصیل آلان و چوخ احتیاجی اولان طلبه لره گیم و نقد پول کومک لیگی ایدیردی. مالیندان و جانیندان کچمگه قادر اولان محمد جلیلی اصل انسان، بیر وطنداش و بیر فدائی ایدی. بله انسانلارا ایسه قزیل و گوموش چمکه گیدیرمک ایستی نفاق و حيله گرلرلیکدن باشقا بیر آدی یوخدور. کتاب بویی ژاندارم، پولیس و نظامی رئیس لرین نین گزارش لری اساسیندا و غراجیل حتم خان گییکی، فرضی الهه بگ پاشائی - طالیش میکائیلی، امیراصلان بگ عیسالی نین

ناقیلاری اوزرینده فنرولان کبالی «بگ» و یا «خان» نامه آدلاندیرماق داها دوزگون اولاردی. بویوک انسان سیید جعفر پیشه وری یازیر: «تاریخ مدرک و سندلر اساسیندا معین سبیلر و عامللرین تحلیلی اساسیندا یازیلییر، تاریخ چی حادثه لرین تورنمه سبیلرینی و جریانینی تدقیق ایدیر».

دکتر غفار کاوه - مغانلی

خرداد ۱۳۸۸ - ایل

بحران دریای خزر در قرن بیست و یکم

دریای زیبای خزر یکی از یادگارهای طبیعی نادری است که دارای یک دنیای غنی گیاهی و حیوانی است این دریای زیبای را طبیعی از هزارهای قبل به ارمغان آورده است. در بین عالم حیوانی انواع ماهی های خاویاری (استرژن) را می شود نام برد که بیش از ۸۰ درصد ذخایر جهانی آن در این دریا می باشد. نقش بزرگ و تاریخی دریای خزر هزاره گذشته در زندگی اقتصادی، فرهنگی، مدنی مللی که در مکان آسیا و اروپای مرکزی زندگی می کردند و می کنند ارزنده بوده است. در دو قرن گذشته دریای خزر منبع داخلی روسیه سپس اتحاد جماهیر شوروی و ایران بود دولی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل کشورهای مستقل در ساحل دریای خزر اهمیت این دریا افزایش یافته و امروز به اوج خود رسیده است.

در بین مسائل بی شمار حفاظت از بیوسفر و استفاده پر ثمر از ذخایر آن منابع آبی جهان به عنوان محیطی که انسان و جمعیت بشری را در احاطه خود دارد از اهمیت بیشتری بر خوردار می باشد.

در زمره فر آیندهای اساسی که پویائی نورمال بیوسفر را تأمین می کنند اسفر خورشیدی - آب، خاک، فر آیند فتوشنتز از اهمیت بیشتری بر خورد دارند. در بین این فر آیندها آب مهره اساسی را تشکیل می دهد. خاک و پوشش گیاهی و حدت کامل در سیستم اکولوژیکی جهان دارا می باشند. البته منافع عظیم آبی جهان، دریای - اقیانوس ها

سسیمه سس وئرین

سسیمه سس وئرین قارداشیم، باجیم،

فدائی بایراغی دالغا لاندیراق،

یومروق تک بیرلشسک قالماز هیچ آجیم

آرزوموز قوش تکین پرواز لاندیراق

ستارخان اولوبدور دیلر ازبری،

سید اوجاغینا بیغیشمالیق

آزادلیق عشقینه وئریم باش - باشا

بیر بایراق آلتیندا قوشمالیق

استبداد آهینا توتولمایاجاق

فدائی مسلکی داشییانلارین

ظفر یولو کنچن باسیلمایاجاق

تاریخده ابدی یاشایانلاریم

جعفر اینادینا خلاف چیخمایاق،

زندانا بیر وورسون چکیجلرمیز.

چتینلیک گورنده گئری باخمایاق،

ایره لی، ایره لی آدیملایاق بیز.

سهرابووا والیده اردبیلی

سیستم جهانی اکولوژیکی دیگری را تشکیل می دهند و هر دوی این سیستم های اکولوژیکی نقش مشابهی در طبیعت و بیو سفر دارا می باشند.

در تاریخ بیولوژیکی کره زمین از نظر زمانی اقیانوسها و منابع آبی با محتوای زنده خود نقش اولیه را در تشکیل بیو سفر و چرخه بزرگ بیولوژیکی که در حدود ۱۵ عنصر و خیلی اینروتوپهای سبک را به خود جلب کرده بازی کردند.

نقش عظیم و تاریخی دریای خزر در قرنهای گذشته در زندگی اقتصادی - فرهنگی، مدنی مللی که در مکان آسیا و اروپای مرکزی ساکن بودند ارزنده بوده است. حوزه شیوه های استفاده از منابع طبیعی آن بحران آفرید که نظر دقت دانشمندان محققینی، دستداران طبیعت را بخود جلب کرده است. سر نوشت فلاکتبار و غم انگیز دریا چه آرال، وضع اکو سیستم های (بومها) اطراف این منبع بزرگ آبی آسیای میانه هشدار جدی برای بشریت می باشد. امروز پی آمدهای فلاکتبار نزدیک و دورنا بودی دریای آرال کاملا خود نمائی نکرده و لشریت در در آینده شاهد فساد های آن خواهد بود. متحصین پیش بینی می نمایند که پراکنده شدن ذرات گرد و املاح دریا در فضا و سر زمین های اطراف در دراز مدت باعث مذاب شدن یخچال های کوه های آسیای مرکزی حتی یخچالهای سلسله جبال هیمالیا هم خواهد بود. بحران در وضعیت اکولوژیکی دریای خزر هم نتوانستند درک نمایند که توسعه و جابجائی نیروهای قولده باید با امکانات اکولوژیکی منطقه در رابطه مستقیم باشد وضعیت اکولوژیکی دریای خزر با آلودگی تکفوزن در رابطه مستقیم است. منبع این آلودگی تنها صنایع سبک و سنگین آبادیهای کنار دریا نیست بلکه بخش مهمی از این مواد آلوده کنند و بوسیله آبهای آلوده صدها رودخانه های بزرگ و کوچک که به خزر رمی ریزند بوجود می آید. بحران بزرگی که بر اثر استثمار بی رویه منابع طبیعی در نیم قرن گذشته در اکوسیستم های جهان رویداد متاسفانه این دریای زیبا را هم در بر گرفت و امروز تغییر فلاکتبار وضعیت اکولوژیکی خزر موجب ناراحتی اجتماعی جهانی گردیده است.

منبع اساسی آلودگی دریای خزر با اکتشافات و استثمار معادن نفتی، نقل و انتقال مواد نفت در دریا صنایع پتوشیمی و آبهای آلوده رودخانهها ایکه به دریا می ریزند. شمار این رودخانه ها به ۱۳۰ می رسد. در حوزه رودخانه ها نیگه به دریای خزر می ریزند بیش از صد ملیون هکتار زمین های فرروعی موجود است. در این حوزه صنایع غذائی تبدیلی کشاورزی و استاسیونهای التریکی هم موجود می باشد. استثمار بی رویه بی ثمر زمینها و ذخایه طبیعی تکنولوژی عقب مانده در صنایع پراکنده شدن مواد مضر فلزات سنگین به محیط اطراف باعث آلودگی شدید منابع طبیعی رودخانه ها نیگه به دریای خزر می ریزند می گردد. معین گردیده که تغییرات اساسی در بالانسی غماریوژن به وجود آمده که دگرگونی قابل توجهی در رژیم غذائی دریا بعمل خواهد آورد. بر طبق آمارهای هواشناس اتحاد جهاهیر شوروی سابق در طول سالهای ۱۹۸۸ - ۱۹۸۹ میلادی مجموع پی آبهای صنایع سبک و سنگین و تولیدات کشاورزی، آبهای آلوده آبادیهای گرانه دریا که به خزر داخل می شوند در حدود ۲۶ میلیارد مترمکعب بوده که ۲۸۱ هزار

مترمکعب آن تصضیه نشده وارد خزر گردیده است. در عوض دو سال مواد مضرى که در ترکیب پس آبهای آلوده به دریا ریخته شده عبارتند مواد هیدراتهای کربنی ۲۲۰۷۲۵ هزارتن، انواع فنولها و ترکیبات منولی ۹۴۶۲۷ هزارتن، مس ۱۷۴۳ هزارتن، روی ۱۰۶۹۶ هزارتن، منبع اساسی این مواد آلوده عبارتند از رودخانه های منطقه صنعتی اورال و رودخانه ولگا. این منابع از ۲۰ تا ۸۷ درصد مجموع مواد آلوده را تشکیل می دهند که به دریا ریخته می شود. بر طبق آمار سازمان هواشناس اتحاد شوروی سابق فقط در مدت یکسال (۱۹۸۹) بوسیله آبهای رودخانه های شمال روسیه به دریای خزر ریخته شدند ۶۲۰۰۰ هیدراتهای کربنی، ۳۶۷ تن فنول، ۲۹۰ تن مواد مضر تکنوژن ۱۵۱ هزارش بقایای سموم سنتتیک، ۸۳۶ هزارتن می ۵۵۹۶ هزارتن روی بود. بالا رفتن سطح آب دریا در سالهای ۱۹۷۰ در شمال دریای خزر که منجر به غرق شدن معادن و ذخایر نفت گردیده بود آلودگی دریای خزر را بمرتب افزایش داد.

آلودگی آبهای قسمت شمالی دریای خزر با مواد نفتن در وضعیت اکولوژیکی قسمت های شرقی و غربی دریای خزر و تاثیر معین داشت و منجر به آلودگی این آبها با مواد نفتن گردید. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل کشورهای مستقل و نوپای کرانه دریای خزر مسئله استفاده از ذخایر نفت و گاز دریا در صدر برنامه های دولتی قرار گرفت. جمهوریهای قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان با جلب سرمایه های عظیم خارجی به استثمار منابع نفت و گاز پرداخته و بدین ترتیب سعی کردند که به اقتصاد جهانی به پیوندند که این خود فشار روز افزونی بر وضعیت اکولوژیکی دریای خزر ایجاد نمود که تا به امروز هم بطور فزاینده ادامه دارد. انعقاد قرار دادهای میلیارد دلاری با شرکت ها و کنسرسیومهای خارجی از طرف دول مستقل کرانه خزر به منظور کشف میدانهای نفت و گازی و استثمار بی رحمانه آنها امروز هم ادامه دارد و این در شرایطی است که مسائل دریای خزر، تقسیم آن بین کشورهای ساحلی، مالکیت بستر آن و استفاده از ذخایر آن هنوز به حل نهائی خود نرسیده و از نظر حقوقی وضعیت آن معین نگردیده که خود باعث اختلافات سیاسی بین کشورهای همسایه گردیده است. نقش بزرگ - دریای خزر در اقتصاد کشورهای کرانه، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز آن، ذخایر بیولوژیکی بویژه وجود بیش از ۷۰ درصد ذخایر جهانی ماهی های استروژن (خاویاری) و غیره ایجاب می نماید که کشورهای ذینفع در اسرع وقت به عقد قرار دادهای مطلوب موفق گردند. فقط در آن صورت حفاظت از وضع اکولوژیکی دریای خزر امکانپذیر خواهد گردید. دانشمندان جمهوری آذربایجان بر اساسی اطلاعات موجود در مورد آلودگی آبهای دریای خزر این منبع را به رده یا کلاسی تقسیم کردند.

۱- منطقه ای که آب دریا بشدت آلوده است. این رده آبهای منطقه ساحلی باکو را در اطراف شهر در بر می گیرد. البته در سالهای اخیر مقامات دولتی جمهوری اقدامات جدی برای سالمسازی این آبها انجام می دهند.

رذه ۲- آبهای این مناطق خیلی آلوده است - آبهای سواحل در بند، ازیرباش، سومقاییت، بگداش، شبه جزیره ما نقشلاق جزو این رده هستند.

رذه ۳- آب آلوده است این مناطق عبارتند: حوزه رودخانه های ترک سولاک، سامور، کور، منطقه ساحلی میحاج قلعه، کرانه ساحلی شهر کا سپس است، لاپاتینا، اطراف معادن دریائی بلکه، شیخ، سنگه چال، کنلران، شبه جزیره چکلی خلیج های ترکمن - ترکمن باشی آبهای مناطق شر می خزر شمالی. متسفانه در این چنین دریای بزرگ آب منطقه ای را که بشود تمنیر نامید معین نکردید (سواحل جمهوری اسلامی ایران مورد تحقیق نگردیده است). با در نظر گرفتن اینکه آلودگی دریای خزر بطور مداوم دوام دارد انتظار بهبود وضع اکولوژیکی این مبنع بزرگ آبی فعلا امکان پذیر نمی باشد. در چار چوب کشور شوروی سابق به آبهای رودخانه ها نیگه به دریای خزر می ریزند عوامل مختلف آنتروپوژن تأثیر میگذارند در درجه اول ساخت شدها و استثمار آنها، احداث واحدهای آبیاری، کانالهای زیاد کیلومتری، در ناژو کلکتواها، تدابیر آکروتکنیک در فراراع از جمله استفاده روز افزون از کودها و سموم شیمائی برای مبارزه با امراض و آفات گیاهی احداث استاسیونهای آبی - گرمائی و غیره بر طبق اطلاعات وزارت محافظت از دخایر طبیعی و اکولوژیکی جمهوری آذربایجان کشورهای کرانه دریای خزر بطور متوسط سالانه در حدود ۱۲ میلیارد مترمکعب چرکاب به دریای خزر می ریزند بوسیله همین چرکابها ۱۵۰ فلارتن محصولات نفتی و نفت، ۱۴۰۰ تن رفنول و ترکیبات فنولی، ۳۴۰۰ هزارتن مواد فعال سینتتیک به آبهای دریای خزر داخل می شود. بر طبق آمار دانشمندان آکادمی بین المللی اکو انرژتیک در حال حاضر دریای خزر به حدهائی آلودگی خود رسیده و اگر در آینده نزدیک اقدامات فوق العاده تمرای حفاظت از آب دریا و تعلیل مقدار آلاینده ها انجام نگیرد بروز فلاکت حتمی خواهد بود. در دریای خزر رآلسون زنجیره ای شیمیائی انجام می پذیرد که پی آمدهای آن هنوز دقیقاً معین نگردیده است. خزر رئیه اروپا است. بطور یکه می دانیم آلودگی دریای خزر تا اندازه ای بر اثر فعالیت میکرواورگانیزم ها تعیین بطور طبیعی تصضیه می گردد و با در نظر گرفتن افزایش دائمی آلاینده ها مقدارا کثیرن که از طرف میکرواورگایسم ها برای تصضیه آب بکار گرفته می شودافزایش می باید که در آینده باعث بروز بیماریهای متعد و حوادث پوتولوژیکی نه تنها در اورگانیزم انسانهای ساکن کرانه دریای خزر حتی اروپا هم خواهد شد.

دریای خزر از نظر اکولوژیکی نا در بوده و غنی ترین دریاهاى جهان بشمار می رود. بر طبق اطلاعات انستيوهای تحقیقاتی در دریای خزر در حدود ۵۷ نوع گیاه (عالی و جلبک های)، بیش از هزار گونه جا نور موجود می باشد. یکی از ثروتهای ارزنده دریای خزر ماهی های خلوپاری (استروژی) می باشد. جالب است که ۸۰ درصد دخایر جهانی آن در دریای خزر مسکن گزیده و هر سال هزاران کیلوگرم خاویار مرغوب به جهانیان عرضه می گردد. خاویار ایران یکی از مواد

صادراتی بوده و سالانه هزاران دلار از فروشی آن در بازارهای جهان به جزانه کشور وارد می گردد. آب دریای خزر از نظر شیمیائی نیز غنی است بطوریکه سالانه به مقدار زیادی یدوبرم از آب دریا گرفته می شود. در آب دریا انواع نمک ها و ترکیبات شیمیائی موجود می باشد. امروز دریای خزر به یک منبع بزرگ نفت و گاز تبدیل گردیده. هر سال میلیونها تن هیدراتهای کربنی از بستر آن استخراج می گردد. در سالهای آخر شرکت های بزرگ جهانی، کارتلها، کنسرسیومهای بین المللی در استخراج نفت دریای خزر سرمایه گذاریهای کلانی کردند و سالانه ملیونها تن نفت به سایر کشورهای جهان صادر می نمایند. سرمایه گذاری برای استخراج نفت و گاز دریای خزر در آینده افزایش خواهد یافت و حجم نفت استخراج شده هم بمراتب زیاد خواهد یافت که از نظر اکولوژیکی مسئله ساز خواهد بود. در اواخر قرن گذشته در پی اکتشافات و حفاریهای انجام شده در سواحل جمهوری قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان حوزه های نفت خیز در بستر دریا معین گردیده و منطقه را به کانون توجه جهانی تبدیل کرده. امروز بزرگترین شرکت های نفتن جهان به منطقه آمده و به فعالیت مشغول می باشند. پتانسیل اقتصادی دریای خزر از هزاران سال به این طرف نظر دقت ساحل نشینان آن را به خود جلب کرده و با گذشت زمان آبادیها، شهرهای زیادی در سواحل آن ایجاد گردیده که در نتیجه کشتیرانی، حمل و نقل کالا و مسافروبق گرفته است. از همین دوران هم آلودگی دریای خزر افزایش یافته و وضع اکولوژیکی دریا را جریحه دار کرده است. لازم به تذکر است که از نیمه دوم قرن ۲۰ ذخایر نفتی دریای خزر نظر دولت اتحاد جماهیر شوروی و جمهوریهای شوروی را بخود جلب کرده و تا به امروز هم به استثمار ذخایر آن ادامه می دهند. در حدود ۶۵ سال قبل در محدوده جمهوری آذربایجان درصد کیلومتری باکو شروع به ساختمان شهره ک دریائی نفت داشلاری گردیده و امروز در وسط دریا شهری جمعیت در حدود ۵ هزار نفر با پارکها، خانه های و راه های آسفالته بوجود آمده که در روی پایه ها استیاده. این شهر مرکز استخراج نفت دریا بشماری رو دوصدها چاه نفت امروز در این قسمت از دریای خزر مورد استثمار می باشد. طبیعی است که ایجاد منطقه و استثمار ذخایر نفت آن آلودگیهای نفتی دریا را به همراه داشت و با گذشت زمان این منطقه به مراکز آلودگی تبدیل گردیده. امروز شرکت های نفتی جهان کنسرسیومهای بین المللی که بر اساس قرار داد معروف به قرار داد عصر به فعالیت عظیم دست زده و حجم استخراج نفت را هرروز ازدیاد می دهند که بدون تردید نقش قابل ملاحظه ای در آلودگی دریا بازی خواهند کرد.

پروفسور دکتر بهروز شکوری
عضو آکادمی علوم نیویورک

ادامه دارد

محسن قارداش (خشگنابی)

بو شعری، باکیدا عرب الیفباسی ایله
تزه جه نشر اولونماغا باشلانمیش
(سحر) درکیسینه اتحاف اتدیم.

سحر

چونکی آرخاندا دوران دوغماجا آذر ائلیدیر.

سنده بیر چوخلاری تک راست گلجکسن پاخلا
قویما بهتانلارینا نولکه ده جدی باخیلار
جار چکیب، عالمه های سال کی، بو ملت
بوغولور!
آی ب. م. ت بویوروب ایرانا گلن، تورکلریده
یوخلا.

دنیانین ان قوجامان بیر ائلینین واری سیم
آتا بگدیر آتامیز، آرصلانلار نسلیم
سحریم، قارداشینان تبریزه یوللان، ده گینن:
گلیمش من ائلیمین تازه نفس درگیسیم.

نه گوزل واختدا دوغولدون، گوزون آیدین
سحریم!

حاق سوزو – حاق طلبی گور سسی ایله عالمه
یایدین سحریم
شن گورجک دابان آلدی قارا ظلمت گنجه لر
بلبلون نغمه سینی دردییزین ملحمر سایدین
سحریم.

توپلادین دوره نه درد اهلینی – دردلشمک ایچون
بیزده گیریشدیک دیوشه، جبهه ده مردلشمک
ایچون
قوی قلم لر ایشه دوش سون، آز دئییل تازه نفسلر
احتیاج واردی سحر ایندی بو دردلشمک ایچون

منده نوز تبریزیمین تازه نفس شاعر بیرم

گلیندن سئویب، الهام آلاندا بیریم
قورخورام افراط اول، یوخسا ده نیردیم کی –
سحر،

سوزه قیسمت وئر منیم – اینجه صنعت زرگرییم

بدخواهین چوخ اولاجاق، چونکی دیلین تورک
دیلی دیر

قارشینا سد چکن اولسا بیلکی شیطان ایشیدیر!

بو دیوشده قارا اللر سنه مغلوب اولاجاق

Azərbaycan qəzeti

5- ci dövr 60 - ci nömrə.Sentyabr 2009

Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi

باش رداکتور: امیرعلی لاهرودی
قزنت تحریریه هنیتی طرفیندن نشر اولونور
قزنتین آرتیریب، یاییمی آزاددیر

E- mail info @ adf – mk Org

